

• کارن گوکسیک\* ترجمه: مسعوده میرزایی\*\*

## فرایند ذهنی و عینی مقاله‌نویسی

چکیده: مقاله حاضر، نوشته خانم کارن گوکسیک، استادیار کالج دارتموث است که به زبان انگلیسی تحریر یافته است. وی در این نوشته کوتاه، نکات ریز و درشت فراوانی را برای بهینه‌سازی مقاله‌نویسی یادآوری می‌کند. مخاطب نویسنده در این نوشته آکادمیک، دانشجویانی هستند که از سوی استاد خویش موظف به تهیه مقاله یا پایان‌نامه شده‌اند. توصیه‌ها و راهکارهایی را که می‌شمرد، همگی به کار نویسندگان و آفرینندگان مقالات علمی در هر زمینه‌ای می‌آید. عنوان مقاله «یک مقاله آکادمیک چیست؟» می‌باشد و موضوعات عمده آن، عبارتند از: تفاوت مقاله علمی با نوشته‌های غیرعلمی، استدلال قابل بیان، ارزیابی، تحلیل، ترکیب، انتخاب عنوان مناسب و طرز ساختارمندی مقاله. گفتنی است که در ویرایش این مقاله، مجبور به تصرفات بیشتری شدیم تا برای خواننده ایرانی مفیدتر باشد.

کلیدواژه‌ها: نوشتن، تز، مقاله علمی، عناصر اصلی مقاله.

• (Karen Gocsik) استادیار کالج دارتموث، استادیار انگلیسی، دکترای (Ph.D) دانشگاه وسترن ریزرو Western Reserve.

آخرین اصلاح: ۱۹ می ۲۰۰۹-۲۰۰۵، راهنمای برنامه نگارش.

\*\* کارشناسی کامپیوتر و مترجم.

## انواع نوشتن

یکی از اولین چیزهایی که باید فهمید این است که نوشتن در مراکز عالی با نوشتن در دبیرستان فرق می‌کند. مطمئناً بخش کمی از آنچه معلمان دبیرستان آموزش داده‌اند، در دانشگاه مفید است. شما باید واضح بنویسید، باید موضوع اصلی (تز) جالب و قابل بحث باشد، باید پاراگراف‌هایی را بسازید که دارای ارتباط منطقی و متمرکز باشند، و از این قبیل. هنوز برخی از دانش‌آموختگان بر روی استراتژی‌های نگارش که در دبیرستان به کار می‌رفت، تکیه دارند؛ اما آن استراتژی‌ها در اینجا به خوبی پاسخگو نیستند. فرمول‌های قدیمی، به اندازه کافی برای تهیه یک ساختار منطقی مقاله دانشگاهی قابل انعطاف و پیچیده نیست. بعضی از ترفندهای قدیمی - مثل استفاده از زبان ادبی و یا تکرار - دیگر پذیرفتنی نیست.

چگونه یک گذار موفق داشته باشیم؟

نوشتن برای مراکز عالی آموزشی مهم‌ترین بخش از یک نوع ویژه از نوشته است که *academic writing* یا نوشته علمی نامیده می‌شود. در نوشته علمی سه مفهوم وجود دارد:

۱. نوشته علمی نوعی از نوشته است که به وسیله محققان برای دیگر محققان نگارش می‌یابد.

اکنون که شما در دانشگاه هستید، بخشی از یک انجمن تحقیقاتی محسوب می‌شوید. به عنوان یک طالب علم، شما درگیر فعالیت‌هایی می‌شوید که قرن‌ها پژوهشگران درگیر آنها بوده‌اند. شما درباره ایده‌های بزرگ می‌خوانید، فکر می‌کنید، بحث می‌کنید و می‌نویسید. البته برای محقق بودن، نیاز است که در اسلوب‌ها و چارچوب‌های معینی بخوانید، فکر کنید، بحث کنید و بنویسید. تعلیماتتان شما را در درک انتظارات، قراردادهای و نیازمندی‌های تحقیق یاری خواهد کرد.

۲. نوشته علمی به موضوعات و سؤالاتی که برای مجامع علمی جالب است، اختصاص دارد. هنگامی که شما یک مقاله علمی می‌نویسید، باید ابتدا سعی در پیدا کردن یک موضوع یا سؤال مربوط و مناسب داشته باشید. اما چطور باید دانست که یک عنوان یا سؤال، مربوط و مناسب است؟

ابتدا به آنچه استادان می‌گویند، توجه کنید. او به شما یک زمینه و مضمون می‌دهد که می‌توانید سؤال‌ها و مشاهداتتان را در آن قرار دهید. به خاطر داشته باشید که نوشته علمی باید بیشتر از یک پاسخ شخصی باشد. شما باید چیزهایی بنویسید که برای خواننده مفید باشد. به عبارت دیگر شما چیزهایی خواهید نوشت که خواننده‌هایتان را برای درک بهتر عنواناتان یاری کند؛ یا آنکه آن را از منظر جدیدی نظاره کنند.

۳. نوشته علمی باید حاوی استدلال‌های قابل بیان باشد؛ یعنی استدلال‌هایی که برای دیگران نیز قابل درک و ارزیابی است. استدلال‌های تخصصی و خصوصی، در نوشته‌های علمی، جایی ندارند.

برای ایجاد یک استدلال قابل بیان، شما ابتدا باید آنچه را که درباره یک عنوان (موضوع) می‌دانید، از آنچه درباره آن تصور می‌کنید، تفکیک کنید. به عبارت دیگر شما باید آنچه را در مورد یک عنوان دانسته شده، در نظر بگیرید و سپس آنچه را درباره آن فکر می‌کنید، تعیین کنید و توضیح دهید. اگر مقاله شما در مقام بیان استدلال، نارس باشد، انتظارات خواننده علمی را بر نمی‌آورد.

### استدلال قابل بیان

هنگامی که شما برای نوشتن یک مقاله علمی می‌نشینید، ابتدا باید آنچه درباره عنوان و موضوع مقاله خود می‌دانید، در نظر بگیرید. نوشته‌های مختلف به درجه‌های متفاوتی از دانش نیاز دارند (بسته به نوعی که به آن نوشته اختصاص می‌دهیم).

برای مثال: نوشتن یک مقاله کوتاه در پاسخ (واکنش) به یک نظریه (دیدگاه) درباره فیلم rear window (پنجره پشتی) آلفرد هیچکاک، ممکن است نیاز نباشد که با کارهای دیگر آلفرد هیچکاک آشنا باشیم؛ حتی ممکن است دانستن اصطلاحات مهم برای نقد هنری فیلم هم نیاز نباشد؛ گرچه واضح است که هر دانشی درباره فیلم، ممکن است شما را در ارائه یک پاسخ اندیشمندانه یاری کند.

اما اگر شما بخواهید یک مقاله علمی درباره فیلم بنویسید، باید بیشتر بدانید و اصطلاحات معین داشته باشید. در این صورت شما می‌توانید آنچه را که در کارهای هیچکاک در لحظه‌های کلیدی انجام می‌شود، توضیح دهید. شما باید با فیلم‌های دیگر هیچکاک آشنا باشید، تا بتوانید به تم‌ها و زمینه‌های مهم در کارهای او پی ببرید. به

علاوه اگر شما این فیلم را در یک سطح بالاتر تماشا می کنید، باید از تفاوت مناظر بحرانی (خاص یا خطرناک) در فیلم های هیجناک و فیلم های معمولی آگاه باشید تا بتوانید استدلالتان را با بیان پیشرفته تری ارائه دهید.

هنگامی که برای نوشتن یک مقاله علمی آماده می شوید، این سؤالات را در ذهن خود مرور کنید:

- من درباره عنوان مقاله ام چه می دانم؟
- آیا من سؤالات چه، چرا، چگونه، چه موقع و کجا را جواب گو هستم؟
- درباره زمینه عنوانم چه چیزهایی می دانم؟
- چه تمایلات فرهنگی یا تاریخی را که ممکن است برای موضوع مقاله ام مهم باشد، می شناسم؟
- آیا موضوع من به گروه یا طبقه خاصی از موضوعات تعلق دارد؟
- من درباره این طبقه چه می دانم؟
- چه چیزی درباره این عنوان از نظر من مهم است؟
- اگر آنچه درباره این عنوان (موضوع) می دانم خلاصه کنم، روی چه نکاتی تمرکز می کنم؟
- نکات کم اهمیت تر چیست؟
- چرا من این گونه فکر می کنم؟
- چگونه می توانم این عنوان (موضوع) را با چیزهای دیگری که می دانم، ارتباط دهم؟
- من درباره موضوع مقاله ام، چه چیزهایی را ممکن است بدانم که خواننده مرا در فهم عنوان به روش جدید کمک می کند؟
- چه چیزهایی را درباره عنوان (موضوع) نمی دانم؟
- چه چیزهایی را نیاز است که بدانم؟
- چگونه می توانم چیزهای بیشتری را دریابم یا کشف کنم؟

### از علم تارای

همین طور که به سؤالات بالا می پردازید، در می یابید که شما از آنچه می دانید (علم) به سمت آنچه فکر می کنید (رای) حرکت می کنید. در این حرکت استعلایی، هدف شما با یک جلوه تازه اوج می گیرد.

با این همه خلاصه کردن آنچه گفته و دانسته شده در یک مقاله کافی نیست. شما باید چیزهایی را از خودتان نیز بیفزایید؛ یعنی پیوستگی‌ها، واکنش‌ها یا تجربیات شخصی خودتان را در متن بیاورید. برای ایجاد یک استدلال قابل بیان شما باید ابتدا توجه داشته باشید که نوشته‌تان باید بیشتر تحلیلی باشد تا شخصی. به عبارت دیگر نوشته شما باید نشان دهد که تجربیات و واکنش‌های موجود در متن در یک بحران علمی شکل گرفته‌اند.

### چگونه از پاسخ شخصی به نوشته تحلیلی حرکت کنیم؟

#### تلخیص

ابتدا آنچه را که متن [یا تحقیقات] اولیه می‌گوید، خلاصه کنید. توجه کنید که شما می‌توانید چندین خلاصه متفاوت بر اساس هدفی که دارید، تهیه کنید. به مثال فیلم هیچکاک برگردیم. شما می‌توانید خلاصه طرح، زمینه‌ها و خلاصه‌ای از تدوین فیلم پدید آورید. همچنین می‌توانید آنچه را که درباره مفهوم فیلم می‌دانید، خلاصه کنید. به عبارت دیگر شما می‌توانید خلاصه‌ای از مشکلاتی که هیچکاک در تولید فیلم تجربه کرده است، بنویسید؛ یا شما می‌توانید خلاصه‌ای از چگونگی تکمیل این فیلم خاص با مقایسه آن با فیلم‌های دیگر هیچکاک بنویسید. همچنین شما می‌توانید آنچه را که دیگران درباره این فیلم گفته‌اند، خلاصه کنید. به هر حال سعی کنید همه آنچه را که می‌دانید، خلاصه کنید.

#### ارزیابی

فرایند ارزیابی یک جریان است. شما یک متن را لحظه‌ای که با آن برخورد می‌کنید، ارزیابی می‌کنید، و - اگر آسان گیر نباشید - به ارزیابی خود ادامه می‌دهید و دوباره ارزیابی می‌کنید. فراموش نباید کرد که ارزیابی یک متن با واکنش ساده به آن، متفاوت است. وقتی شما برای یک مقصود علمی ارزیابی می‌کنید، مهم است که بتوانید به طور واضح و شمرده، پاسخ‌های شخصی خودتان را اثبات کنید. چه چیزی در متن (زمینه یا موضوع) شما را برای پاسخ دادن به روش معینی راهنمایی می‌کند؟ چه چیزی در متن نیست که می‌تواند شما را در پاسخگویی تان یاری کند؟ مثلاً با تماشای فیلم هیچکاک، شما در خود احساس ترس، سرعت و تعلیق فیلم را در می‌یابید. چه چیز در فیلم احساس شما را این

گونه می‌سازد؟ تنظیم؟ اعمال؟ آیا شما به لحظه‌ای از فیلم که به طور خاص در ایجاد حس تعلیق موفق است، می‌توانید اشاره کنید؟ در پاسخ به این سؤالات شما دو جریان عقلی را در پیش رو دارید: تجربه شخصی خود و تحلیل زمینه (متن).

### تحلیل

در این مرحله از ساخت، به یک استدلال قابل بیان نیاز است که شما بخش‌هایی از عنوانتان (موضوعتان) را در نظر بگیرید، سپس تحقیق کنید که چگونه این بخش‌ها با هر بخش دیگر یا با کل ارتباط دارند. برای تحلیل فیلم هیچکاک، شما باید فیلم را به صحنه‌های ویژه آزمایشی، دیدگاه، حرکت دوربین و نظایر آن تفکیک کنید. مثلاً شما باید پاسخ دهید: اجزای فیلم هیچکاک چیست و چگونه این اجزا در تم فیلم با هم شرکت می‌کنند؟ چگونه آنها در کار هیچکاک به عنوان یک کل شرکت می‌کنند؟ هنگامی که شما تحلیل (تجزیه) می‌کنید، در زمان تحلیل شما کل را به اجزایی کوچک تفکیک می‌کنید تا بتوانید کل را به طور متفاوتی ببینید. در این پروسه، شما آن چیزهایی را که می‌توانید بیان کنید، پیدا می‌کنید.

### ترکیب

وقتی شما تحلیل (تجزیه) می‌کنید، در واقع یک موضوع را به بخش‌های کوچک آن تفکیک می‌کنید. هنگامی که شما ترکیب می‌کنید، شما ارتباط بین عقاید را جست‌وجو می‌کنید. در تحلیل یک متن یا یک نظریه شما می‌توانید با عناصری که در ابتدا نامتجانس به نظر می‌رسند، آغاز کنید؛ مثلاً بعضی گفته‌ها و اقوالی را که در ابتدا مرتبط به نظر نمی‌رسند، کنار هم بگذارید. اکنون زمانی است که باید این عناصر متمایز را که قابل تلفیق (تطبیق) یا ترکیب هستند، در نظر بگیرید.

این عمل به تمرین ذهنی نیاز دارد تا شما بتوانید یک استدلال چترگونه ایجاد کنید؛ یک استدلال بزرگ‌تر که تحت آن چندین مشاهده و نظر قرار می‌گیرد.

### انتخاب عنوان مناسب

برخی نویسندگان برای تعیین یک عنوان مناسب، دچار مشکل هستند. گاهی

استاد برای شما عنوان را به صورت آماده (سریع) تهیه می‌کند. او به شما یک سؤال می‌دهد تا شما آن را پیگیری کنید؛ یا یک مسئله (مشکل) می‌دهد تا حل کنید. وقتی استاد به شما یک موضوع می‌دهد، نخست مطمئن شوید که آن را به طور دقیق می‌شناسید. استاد شما پارامترهایی اختصاصی را برای شما تعیین می‌کند. او به شما می‌گوید چه نوع مقاله‌ای مناسب خواهد بود. اما گاهی استاد برای شما یک عنوان آماده (موضوع)، تهیه نمی‌کند. حتی او ممکن است به شما یک عنوان (موضوع) ندهد. ممکن است از شما بخواهد یک مقاله دربارهٔ نظریه یا نظریه‌هایی از خودتان بنویسید. استاد شما یک مبنای عمل (subject) به شما داده است، نه یک عنوان (Topic). او آنچه را که مقاله باید بدان توجه کند، به شما نگفته است. آیا مقاله باید خلاصهٔ یکی از تئوری‌های خودتان باشد؟ آیا باید دو یا چند تئوری را مقایسه کنید؟ آیا باید موضوع مقاله را طوری در نظر بگیرید که این تئوری‌ها را در برخی مفاهیم و زمینهٔ رویدادهای تاریخی قرار دهید؟ آیا باید از این تئوری‌ها جانب‌داری کنید؟ آیا نباید به نواقص تئوری خود اشاره کنید؟

شما دو راه دارید: با استاد خودتان گفت‌وگو کنید و ببینید انتظار او چیست. یا این مهم را خودتان تعیین کنید.

به عبارت دیگر آیا استاد شما اطلاعات و استدلال‌ها را جست‌وجو می‌کند؟ احتمال دارد او بخواهد شما یک دلیل بسازید. شما باید عنوانتان را محدود کنید و مطمئن شوید که به طور مناسب و به اندازهٔ کافی علمی است. همان‌طور که دربارهٔ یک موضوع فکر می‌کنید، برای سؤال‌های زیر پاسخ بیابید:

- آیا شما یک پرسش خردمندانه را پرورانده‌اید؟ به عبارت دیگر آیا شما یک سؤال که نیاز به پاسخی عالمانه دارد، ساخته‌اید؟

- آیا این پرسش، محرک (تحریک کننده / عصبانی کننده) است؟ تکان دهنده است؟ جدل برانگیز است؟ نوآورانه است؟

- آیا شما قادرید که به طور کافی در چند صفحه به این پرسش، پاسخ دهید؟ یا گریزی از بسط و گسترش ندارید؟

- اگر پرسش گسترده است، چطور می‌توانید آن را محدود کنید؟

- آیا سؤال شما، هم به عنوان و هم به اطراف آن می‌پردازد؟ به عبارت دیگر آیا شما

پیش آمده‌های فرهنگی و تاریخی مؤثر بر این عنوان را در نظر گرفته‌اید؟ آیا شما از آنچه محققان دیگر در این باره گفته‌اند، خبر دارید؟  
- آیا خواننده شما به این پرسش فکر می‌کند یا علاقه دارد؟ یا خواهد گفت چه موضوع بیهوده و خسته کننده‌ای؟

### اسلوب بیانی

هنگام نوشتن یک مقاله علمی، نه تنها شما باید آنچه را که می‌خواهید بگویید، در نظر داشته باشید، بلکه باید در نظر داشته باشید برای چه کسی آن را بیان می‌کنید. به عبارت دیگر نه تنها آنچه شما درباره موضوع فکر می‌کنید مهم است، بلکه اینکه مخاطب اندیشه شما کیست، هم مهم است.

تمایلات مخاطبان شما چیست؟ ظرفیت آنان چه مقدار است؟ توقعشان چیست؟ دانششان چه اندازه است؟ برای چه کسی و برای چه منظوری می‌نویسید؟  
وقتی شما در ذهن خود آغاز به پاسخگویی به این سؤالات می‌کنید، در حال ارزیابی نوع بیان (Rhetorical stance) خود هستید. نوع بیان شما به عنوان یک نویسنده، به عنوان (موضوع) و خواننده تحقیق شما بستگی دارد.

### سبک نوشته و موقعیت نویسنده

ابتدا رابطه خود را با عنوان کتاب در نظر بگیرید. هنگامی که شما یک مقاله می‌نویسید، نسبت به عنوان، موضع می‌گیرید. تعیین کنید در کنار یا در مقابل آن هستید. تعیین کنید که قصد دارید به این عنوان از منظر خاصی نگاه کنید - مثلاً فمینیست - یا شما قصد دارید به آن پاسخی عمومی بدهید. همچنین تعیین کنید که آیا قصد دارید عنوانتان را از میان لئزهای یک قانون خاص (ویژه) تحلیل کنید؛ مثل تاریخ. موضع شما نسبت به موضوع، بستگی به تصمیماتی دارد که شما در پروسه‌های خواندن و فکر کردن می‌گیرید.  
به منظور اطمینان از اینکه موضعتان نسبت به یک عنوان مناسب است، باید برخی سؤالات را به خودتان پاسخ دهید. با پاسخ به اینکه چرا شما این موضع ویژه را انتخاب کرده‌اید، شروع کنید.

چرا شما برخی عناصر را مهم‌تر از بقیه یافتید؟ آیا این اولویت‌دهی، به برخی از



تعصبات یا عقاید قبلی شما باز می‌گردد؟ اگر شما بخشی از یک متن را به این عنوان که خسته‌کننده یا بی‌اهمیت است، کنار گذاشته‌اید، چرا چنین کرده‌اید؟ دلیل شما چیست؟ آیا شما در این موضوع، تجربیات شخصی - که بلافاصله شما را به ادعای معین رهبری کند - دارید؟ آیا بخشی از پاسخ‌ها یا واکنش‌های شما از دید خواننده، غیر عادی و نامتعارف نخواهد بود؟

با توجه به این پرسش‌ها شما می‌توانید موقعیت خود را نسبت به عنوان نوشته در نظر بگیرید.

### سبک نوشته و موقعیت خواننده

فقط موقعیت شما نسبت به یک موضوع، حالت و سبک بیان شما را تعیین نمی‌کند. شما باید خواننده را نیز در نظر بگیرید. در کلاس درس، معمولاً مخاطب شما استاد یا هم‌کلاسی‌های شما است؛ گرچه گاهی اوقات استاد، شما را به نوشتن برای مخاطب ویژه یا عمومی راهنمایی می‌کند. کسی که خواننده واقعی شما است، باید دقیقاً او را در نظر بگیرید. قبل از اینکه نوشتن را شروع کنید، شما در مورد خواننده و موضعش نسبت به عنوان موضوعتان چه می‌دانید؟ او علاقه‌مند است که چه چیزهایی را درباره‌ی عنوان کتاب شما بداند؟ چه تعصبات و پیش‌داوری‌هایی دارد؟ به علاوه شما امیدوارید چه اثری بر روی خواننده خود داشته باشید؟ آیا هدف شما جدال و منازعه است؟ آیا هدف، دادن اطلاعات مفید است؟ آیا هدفتان سرگرم کردن است؟ آیا خواننده مقصود شما را درک می‌کند و حس قدردانی در او برمی‌انگیزد یا می‌رنجد؟ وقتی شما تعیین کردید که خواننده کیست، آن‌گاه باید بهترین راه رسیدن به هدف خود را در نظر بگیرید.

به طور مثال اگر شما یک نویسنده معتبر در یک موضوع (زمینه) هستید و خواننده شما درباره‌ی آن اطلاعاتی ندارد یا اطلاعات اندکی دارد، شما باید موضع آموزگاری را که اطلاعات مفیدی دارد، اتخاذ کنید.

اگر شما درباره‌ی یک موضوع اطمینان ندارید و سؤال‌اتان بیش از جواب‌هایتان است، باید حالت کنجکاوانه یا موضع کندوکاو را انتخاب کنید؛ یعنی بیش از داوری به گردآوری روی آورید.



زمانی که شما در مورد وضعیت بیان یا حالت بیان (rhetorical stance) تصمیم می‌گیرید، وضعیتی را انتخاب کنید که به شما اجازه می‌دهد که صادق باشید. اگر شما درباره آنچه می‌گویید، مطمئن نیستید نباید حالت و ژست نویسندگان معتبر را به خود بگیرید؛ حالتی که فقط در مآخذ و کتب معتبر به کار می‌رود. از طرف دیگر، شما نباید از اتخاذ یک موضع نسبت به یک موضوع اجتناب کنید. هیچ چیز بدتر از خواندن یک مقاله نیست که در آن نویسنده موضع مشخصی ندارد. اما اگر در یک موضوع دو ذهنیت دارید، چه باید کرد؟ آن را به خواننده اعلان کنید. [به خواننده این فرصت را بدهید که خود انتخاب کند یا حداقل با تردید شما همدلی کند.]

### ساختارمندی

در دبیرستان شما می‌توانستید استراتژی‌های متفاوتی را برای ساختار نوشته‌هایتان به کار ببرید. ممکن بود بتوانید پنج پاراگراف به عنوان زمینه ایجاد کنید که در آن عنوانتان را بیان می‌کردید؛ بعد با سه پاراگراف دیگر، آن را اثبات می‌کردید. سپس با تکرار آنچه قبلاً گفته شده، به پایان می‌رساندید. برخی بهترین ساختار را برای یک مقاله، مدل شیشه ساعتی (hour-glass) می‌دانند که در آن شما مقاله را با یک جمله معمولی آغاز می‌کنید، مشاهداتی (شواهدی) را می‌آورید که به طور افزایشی ویژه هستند و سپس آن را با یک جمله معمولی به پایان می‌برید. هنگامی که شما در دانشگاه مقاله می‌نویسید، نیاز به ساختارهایی دارید که بتوانند ایده‌های پیچیده‌تری را اثبات و پشتیبانی کنند. چند مدل برای ساختار مقاله یا هر اثر دیگری وجود دارد: می‌توان اطلاعات را بر حسب وقوع زمانی مرتب کرد یا نسبت به زمان بی‌تفاوت بود؛ یا مقایسه و مقابله کردن، یا علت و معلول (اسباب و اثر) را محور قرار دادن و نظایر آن. اما به خاطر داشته باشید که ساختار استدلال به وسیله خود محتویات، در پایان تعیین خواهد شد. هیچ مدل پیش ساخته و از پیش آماده‌ای که ساختار مناسب را برای استدلال علمی فراهم کند، وجود ندارد.

### مقدمه‌ها

در مقدمه باید دو کار انجام داد: مقدمه باید استدلالتان را معرفی کند و آن را در یک

بحث پیشرفته و بزرگ تری درباره عنوانتان قرار دهد. اغلب نویسندگان، دومی را قبل از اولی انجام می دهند؛ یعنی آنها با خلاصه کردن آنچه محققان دیگر درباره عنوانشان گفته اند، شروع می کنند و سپس آنچه را که به بحث اضافه کرده اند، شرح می دهند. حتی وقتی که نوشته شما یک مقاله پژوهشی نیست، شما باید استدلالتان را همان طور که در چارچوب یک تحقیق بزرگ تر انجام می شود، بیان کنید. استدلالتان را برای خواننده، با نام گذاری متن، نویسنده (تهیه کننده)، پیامهای آن و نتایجی که شما می گیرید، قرار دهید.

احتمالا شما در دبیرستان فکر می کردید که هر مقاله باید یک حکم اعلان شده داشته باشد و این حکم باید در پایان مقدمه ظاهر شود. گرچه این نظر منطقی است، اما گاهی اوقات، یک حکم بیشتر از آنچه در متن اظهار می شود، مطلب می رساند، و اگر نویسنده ماهر باشد تقریباً در هر جایی می تواند آن را ظاهر کند. البته شما می توانید حکم اعلان شده مقاله را در جایی که خواننده انتظار دارد ظاهر کنید؛ یعنی در پایان مقدمه.

حکم شما تنها باید یک موضوع قابل بحث داشته باشد؛ یعنی باید برخی از آنچه را که جالب و جدال برانگیزند، معرفی کند. از آنجا که احتمالاً حکم اصلی (Thesis) مهم ترین عبارت منفرد در مقاله است، باید درباره آن بیشتر مطالعه کنید.

از آنجا که هر حکم اصلی، یک موضوع قابل استدلال را ارائه می دهد، نویسنده، باید جبهه های مخالف یک استدلال را برای تصدیق مقاله خود نشان دهد. آنچه را که ممکن است مخالفانتان در برابر استدلال شما بگویند، در نظر بگیرید. سپس تعیین کنید کجا و چطور باید با این مخالفان برخورد کرد. آیا شما می خواهید در اولین پاراگراف، مخالفت ها را کم کنید؟ آیا می خواهید همه استدلال های مخالف را لیست کنید و آنها را یک به یک رد کنید؟ تصمیم شما، ساختار مقاله تان را مدیریت می کند.

#### پاراگراف های پشتیبانی

هر نظریه ای باید اثبات شود. اثبات دلیل شما در پاراگراف های مقاله تان سازمان دهی می شود. این پاراگراف ها هر کدام بایستی یک نکته را بیان کنند که هسته مرکزی پاراگراف



را نشان می‌دهد. هسته پاراگراف، مانند حکم اصلی رساله است؛ با این تفاوت که به جای اعلان استدلال برای کل مقاله، استدلال آن پاراگراف ویژه را بیان می‌کند.

### نتایج

نوشتن یک مقاله خوب، مشکل است. شما باید مطالب را جمع‌بندی کنید؛ اما جمع‌بندی بیشتر از این است که فقط بگویید که چه گفته‌اید. شما باید گاه خواننده را در برخی از مسائل رها کنید تا درباره آنها فکر کند. همچنین باید از موعظه کردن سخت اجتناب کنید.

گاهی ممکن است شما بخواهید به یک ایده یا پرسش جدید اشاره کنید، اما اگر نتوانید میان مفاهیم ارتباط برقرار کنید، خواننده را گیج می‌کنید. در بخش نوشتن نتایج، مهم یافتن تعادل مطلوب است.

### استفاده از سبک و آهنگ مناسب

شما نیاز دارید که تحلیل و نقد و استدلال کنید. لازم است که شما ارتباط خود را با موضوع و خواننده در نظر بگیرید؛ اما اهمیت یافتن یک آهنگ و سبک علمی مناسب چقدر است؟

در ابتدا آهنگ و سبک نوشته علمی ممکن است ترسناک به نظر برسد؛ اما این طور نیست. استادان از دانشجویان می‌خواهند که مطالب مورد علاقه‌شان را واضح و هوشمندانه بنویسند. آنچه استادان نمی‌خواهند تحقیق تقلیدی است. آن، نوعی پر حرفی پیشرفته است که کسی به آن تمایل ندارد.

اگر دانشجو به نوشتن مقاله علاقه مند نباشد، استاد هم احتمالاً به خواندن آن تمایل نخواهد داشت.

پس آهنگ (لحن، تن) یک مقاله علمی باید خواننده را دعوت کند؛ در حالی که از یک سبک علمی مناسب نیز برخوردار است.

وقتی که شما سخن بی‌رویی را بسط می‌دهید و شماره صفحه نوشته را بالا می‌برید، سعی کرده‌اید مخاطب را به وسیله نکاتی که زمانی را صرف آنها نکرده‌اید، تحت تأثیر قرار دهید.

نکات زیر را برای نوشتن یک مقاله علمی در نظر بگیرید:

- نظرات شخصی را در چک نویس نگه دارید.

برخی خصوصیات شما، منشأ پاسخ شخصی به یک مسئله می شود. در هر موضوع و مسئله ای، اگر شما به گفتن پاسخ شخصیتان دعوت نشده اید، بهتر است به این سمت گریز نزنید.

- روی شواهد و مدارک فراحیسی تکیه کنید.

ممکن است شما خیلی به یک موضوع علاقه مند باشید، اما شما نباید تنها با بیان شیوا این کار را انجام دهید. حتی اگر شما عبارات بسیار زیبایی برای بحث بسازید، برای استادان و خوانندگان مهم نیست. برخلاف زمانی که شما این عبارات زیبا را صرف بیان حقایق کنید.

- در به کار بردن ضمایر شخصی احتیاط کنید.

اگر با استفاده از ضمایر شخصی مانند «من» و «تو» در مقاله چیزی را تصویب کنید، چندان پذیرفتنی نیست. در حقیقت خوب است که شما با دقت از آنها استفاده کنید. استعمال مفرط از «من» ممکن است سبب بروز این احساس در خواننده شود که مقاله بیش از حد بر اساس نظرات شخصی است. به خاطر داشته باشید که قوانین علمی معین با استفاده از این ضمایر مخالف اند.

- به تفاوت های ویژه قواعد توجه کنید.

هر یک از قواعد آکادمیک قراردادهای خودشان را دارند.

- از خطاهای نگارشی اجتناب کنید.

شما باید متنی خالی از اشکال تولید کنید. اشکال در گرامر و سبک، شمار خواننده های شما را کم می کند. حتی گاهی مفاهیم نوشته را مبهم می کند؛ گاه نیز از اعتماد خوانندگان به مطالب شما می کاهد.

- نه تنها به آنچه دیگران می گویند توجه کنید، بلکه به چگونگی بیان آنها هم توجه کنید.

در نظر داشته باشید که بحث های صحیح (منطقی) هرگز بدون مدرک (شواهد) ساخته نمی شوند.

- مدرک (evidence)، فرض (Assumption) و عقیده (opinion) را با هم خلط نکنید.

مدرک چیزی است که شما می‌توانید با آزمایش به آن پی ببرید. فرض بعضی چیزهایی است که یک نفر می‌تواند از مدارک موجود، نتیجه بگیرد. عقیده تفسیر ویژه و شخصی شما از مدرک است.

- زمانی که مدرکی را جست‌وجو می‌کنید، عقیده‌ای آماده نکنید.  
وقتی عقیده‌تان را جست‌وجو می‌کنید، حقایق را نشان ندهید. اغلب وقتی از دانشجویان، تحلیل یک نوشته خواسته می‌شود، آنها یک خلاصه می‌نویسند.  
- خودتان را با زبان جدید آشنا کنید.

هر قانونی، زبان علمی مخصوص به خود را دارد، در حالی که شما در نوشته باید از استفاده غیر ضروری زبان علمی پرهیزید. قبل از نوشتن باید مطمئن شوید که درک روشنی از مفاهیم و اصطلاحات مهم دارید.

- تصور نکنید که هر چه در بازار چاپ شده، حقیقت مطلق است.  
تفسیر شخصی شما از یک موضوع نسبت به چیزهایی که شما در کتابخانه‌ها یا اینترنت پیدا می‌کنید، می‌تواند به همان اندازه یا بیشتر صحیح باشد. نسبت به آنچه می‌خوانید حساس باشید و جرئت داشته باشید و مطمئن باشید که شما ممکن است بتوانید خیلی بیشتر و بهتر بگویید و بنویسید.  
- به استانداردها و قوانین توجه کنید.

خوانندگان انتظار دارند که کار شما از نظر گرامر و سبک بدون اشکال باشد. آنها از شما انتظار دارند برای رجوع به منابع از قوانین رایج پیروی کنید. استانداردها و قوانین، در واقع میثاق‌های میان خواننده و نویسنده هستند که شکستن آنها جرم و زیانبار است.